

پاسخ‌های روشن به امام اسماعیل بصری

۹

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات

نویسنده: سید ضیاء خبّاز

مترجم: محمد مهدی سلمانپور

پاسخ های روشن به
احمد اسماعیل بصری

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات

نویسنده: سید ضیاء خبّاز

مترجم: محمد مهدی سلمانپور



مجلس شورای اسلامی ایران

شماره انتشار: ۲۳۷

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات

نویسنده

سید ضیاء خبّاز

مترجم

محمد مهدی سلمانپور

مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام

شماره انتشار: ۲۳۷

چاپ اول، ۱۴۴۱ قمری

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نجف اشرف

تمامی حقوق متعلق به مرکز پژوهش‌های

تخصصی امام مهدی علیه السلام می‌باشد

به نام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه‌ی مرکز:

سپاس از آن پروردگار جهانیان است، و درود و سلام بر سرور و پیامبر ما، محمد و خاندان پاک و طاهر ایشان.

مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی عج، به دنبال افزایش مباحث پیرامون احمد اسماعیل گاطع و ادّعاها و دروغ‌های او که بیش از پنجاه ادّعای باطل و بی‌دلیل است، پاسخ به این ادّعاها را ضروری دانسته است. لازم به تذکر است که جواب به آن سخنان، به معنای علمی و منطقی بودن آنها نیست؛ چرا که ادّعاهای آن افراد تنها تقلب، نیرنگ، دروغ، افتراء و برخورد سلیقه‌ای با روایات است و بهترین

۴..... پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

دلیل بر این امر کتابهای (احمد اسماعیل) و پیروانش است. بلکه رد و پاسخ به ادعاهای این افراد به دلیل شبهاتی است که می تواند دامن گیر برخی افراد ضعیف شده و در نتیجه پاره ای توضیحات، روشنگری ها و بیان مبانی را سبب گردد که راه و روش علمی نزد همه مردم به صورت عام و شیعیان به شکل ویژه، بر آن تکیه دارد.

علاوه بر این، افرادی که فریب (احمد اسماعیل) را خورده و از او پیروی کرده اند نیز باید با دلیل و برهان روبرو شوند تا کسی از این افراد را یارای این نباشد که بگوید: ﴿پروردگارا چرا برای ما پیامبری بیم دهنده نفرستادی و راهنمایی هدایتگر را نیآوردی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم﴾ (طه: ۱۳۴)۱.

از این رو، در کنار دیگر فعالیت های مرکز

۱. اقبال اعمال ج ۱، ص ۵۰۵.

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات..... ۵

پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام در رد شبهات، از طریق سایت اینترنتی، فضای مجازی و نشریه (صدی المهدی) و دیگر فعالیتهای انتشار این کتابچه نیز در رد بر احمد اسماعیل، حلقه‌ای از حلقه‌های برخورد با اهل بدعت و انحراف محسوب می‌شود.

از خدای متعال توفیق ثابت قدمی بر حق را خواستاریم. ای دگرگون‌کننده قلب‌ها، دل‌های ما را بر دینت ثابت بدار.

مدیر مرکز

سید محمد قبانچی

پیشگفتار مترجم

احمد اسماعیل بصری، مشهور به احمد الحسن، از دجالان، شیادان و مدعیان دروغین این عصر است. او از عشیره البوسلیم استان بصره است و کمتر از دو دهه پیش ادعاهای ناروای خویش را در عرصه مهدوی آغاز کرده است.

ادعاهای نامبرده، از ارتباط با امام زمان علیه السلام آغاز شد و سپس مدعی مذکور خود را فرزند امام عصر، یانی موعود، مهدی اول از مهدیان دوازده گانه‌ای که به پندار باطل او پس از امام زمان علیه السلام به حکومت می‌رسند، جانشین و فرستاده و نائب خاص امام زمان دانست. او همچنین خود را معصوم و دارای علم و سلاح اهل بیت علیهم السلام، امام سیزدهم و وصی امام زمان علیه السلام نیز قلمداد می‌کند.

این میراث‌دار مکتب شلمغانی، در حالی چنان

۸..... پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

ادعاهایی می کند که در حدّ یک فرد عامّی هم از اسلام و قرآن اطلاع ندارد و خطاهای او حتّی در خواندن آیات ساده‌ی قرآن نیز بی شمار است.

در حدود کمتر از دو دهه که از فعالیت‌های این جریان می‌گذرد، کتب و مقالات بسیاری در نقد و بررسی ادعاهای باطل آن به نگارش در آمده است. مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام در نجف اشرف، از مراکزی است که پیشینه‌ای درخشان در پاسخ به شبهات این مدّعی مهدویت دارد.

از جمله آثاری که این مرکز در دفاع از عقائد حقّه توفیق نشر آن را یافته است، مجموعه‌ی عالمانه‌ی (الردّ الساطع علی ابن گاطع) است که ده کتاب کم حجم را شامل می‌شود. این کتب، برگرفته از کتاب‌های مفصلی هستند که نویسندگان محترم آنها به تفصیل در رد احمد اسماعیل نگاشته‌اند و برخی از آثار را نیز مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام منتشر ساخته است.

۹..... بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات

کتابی که پیش روی خوانندگان گرامی است، ششمین اثر از مجموعه‌ی مورد اشاره است و نویسنده‌ی فاضل آن، استاد سید ضیاء الخباز است.

استاد محترم، در این اثر، که بخش مختصری از اثر مفصل ایشان در نقد احمد اسماعیل است، به بحث پیرامون حجیت استخاره در عقاید پرداخته‌اند. این بحث از آن روست که احمد اسماعیل و پیروانش چنین ادّعا می‌کنند که در عقاید می‌توان از استخاره بهره برد و برای شناخت حجت الهی و اثبات امامت احمد اسماعیل، باید استخاره کرد!

استاد فاضل در این مباحث، این ادّعا و مستندات مدّعیان دروغین را به نیکی واکاوی کرده و نشان داده‌اند که چنین سخنی عاری از صحت است و هرگز نمی‌توان در مباحثی چون اعتقادات و حتی فقه، به استخاره رو آورد.

این ادّعای شگفت احمد اسماعیل، خود به روشنی

۱۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

گویای خالی بودن دست این مدعیان از دلایل و براهین واضح و قابل قبول است و فقر علمی و نادرستی روش آنان را برملا می کند.

با مطالعه‌ی کتاب پیش‌رو، خوانندگان گرامی به داوری منصفانه درباره‌ی شخصیت این مدعی دروغین خواهند پرداخت. امید که این اثر در پیشگاه قطب عالم امکان مقبول و مرضی افتد.

* * *

مدعیان مهدویت، استخاره را راه دومی برای اثبات امامت احمد اسماعیل می‌دانند. آنان در اثبات حجیت استخاره به سه دلیل استناد کرده‌اند:

دلیل اول: روایت صفوان بن یحیی:

این روایت را شیخ طوسی در کتاب غیبت از علی بن معاذ چنین روایت کرده است:

قلت لصفوان بن یحیی: 'بأی شیء قطعت علی علی؟ قال: صلیت ودعوت الله واستخرت علیه و قطعت علیه.

به صفوان بن یحیی گفتم: بر چه اساسی به امامت علی بن موسی الرضا مطمئن شدی؟ گفت: نماز خوانده، دعا کردم و استخاره نمودم و بر ایشان مطمئن شدم.'

۱۲ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

استدلال مدعیان به این روایت اینگونه است:
صفوان بن یحیی، که در زمان خود یکی از بزرگان
مدرسه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام و از شاگردان امام رضا علیه‌السلام
بوده است، اثبات کرده که امامت حضرت رضا علیه‌السلام
با استخاره بود و این امر بر حجیت استخاره و یقین آور
بودن آن دلالت می‌کند. چرا که بسیار بعید است که
شخصیتی چون صفوان، بدون استناد به معصوم
و صرفاً از جانب خود به استخاره استناد نماید.

دلیل دوم: روایت سلیمان بن بلال:

شیخ نعمانی این روایت را در کتاب غیبت، از
امیر مؤمنان علیه‌السلام آورده است. در این روایت طولانی
که درباره‌ی صفات امام مهدی علیه‌السلام است، امیر مؤمنان
چنین فرموده‌اند:

«أوسعكم كهفياً، وأكثركم علماً، وأوصلكم رحماً،
اللهم فاجعل بعثه خروجاً من الغمّة، واجمع به شمل

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات ۱۳

الْأُمَّةَ، فَإِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ فاعزم، ولا تنثن عنه إن وُفِّقَ له،
ولا تجوزنَّ عنه إن هُديت إليه.

ساحت و درگاهش از همهی شما گشاده‌تر
و دانش او از همهی شما فزونتر و صله‌ی رحم او از
همهی شما بیشتر است. پروردگارا برانگیخته شدن او را
مایه‌ی به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده
و به واسطه‌ی او پراکندگی امت را جمع ساز، پس اگر
خداوند برای تو خیر خواست پس عزم خود استوار
گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از
او به دیگری باز مگرد، و هر گاه به سویش راه یافتی از
او در مگذر»^۱.

استدلال مدعیان به این روایت نیز چنین است:
امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام استخاره را راهی از راه‌های اثبات
امامت بر شمرده‌اند و عبارت «فإذا خار الله لك فاعزم»
بر این امر دلالت می‌کند.

۱. غیبت نعمانی ص ۲۲۲.

دلیل سوم: عمومات استحباب استخاره:

مانند سخن امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که فرموده‌اند:

«فَوَاللَّهِ مَا اسْتَخَارَ اللَّهُ مُسْلِمٌ إِلَّا خَارَ لَهُ الْبَيْتَةُ.»

به خدا سوگند هیچ مسلمانی استخاره نکرد الا آن

که خدا حتماً برای او خیر قرار داد»^۱.

همچنین آن حضرت فرموده‌اند:

«مَا أَبَالِي إِذَا اسْتَخَرْتَ اللَّهَ عَلَى أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعْتَ.»

اگر استخاره کرده باشم ابایی ندارم که در کدام

راه واقع شوم»^۲.

این روایات و احادیث بسیار مشابه آن، دلالت

می‌کند که استخاره محبوب است و هر گاه انسان به آن

اقدام کند خیر و نیکی خواهد دید و امامت احمد الحسن

نیز داخل در همین عمومات است و از آن خارج

نمی‌باشد.

۱. کافی ج ۳، ص ۴۷۰.

۲. وسائل الشیعه ج ۸، ص ۸۱.

واکاوی دلایل سه‌گانه مدعیان:

۱ - روایت صفوان بن یحیی را می‌توان از سه

جهت بررسی نمود:

جهت اول: شیخ طوسی تنها ناقل این روایت

است:

این روایت را هیچ‌یک از بزرگان شیعه و محدثان، به جز شیخ طوسی نقل نکرده است. البته این امر به خودی خود ایرادی ندارد و مشابه آن در روایات بسیار اتفاق افتاده است، اما اشکال به علت نقل این روایت باز می‌گردد. شیخ طوسی در پی بررسی و پاسخ به ادعای واقفی‌ها درباره‌ی مهدویت و خاتمیت امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام بوده و در این‌باره چنین فرموده است:

(اما آن چه که واقفی‌ها روایت کرده‌اند همه‌اش اخبار آحادی است که حجّتی تقویش نمی‌کند، و نمی‌توان ادعای علم به صحت آن را کرد، و راویان

۱۶ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

آن مورد طعن هستند و به سخن آنها اعتدای نمی شود
و پس از همه اینها باید روایات آنان را تاویل نمود.

و ما برخی از آن چه که روایت کرده اند را ذکر
کرده و سخن [صحیح] در آن را تبیین می کنیم. از
جمله ی اینها اخباری است که ابو محمد علی بن احمد
علوی موسوی در کتابش (نصرة الواقفة) ذکر کرده
است^۱.

از کلام شیخ طوسی این گونه برمی آید که علی
بن احمد علوی موسوی، کتابی با نام (نصرة الواقفة)
نوشته بود که موضوع آن کتاب نیز از عنوانش روشن
است. شیخ طوسی به رد و پاسخ این کتاب و بیان
نادرستی ادعاهای موسوی پرداخت و مجموعه ای از
روایات آن کتاب را در کتاب غیبت خود نقل کرد تا به
نقض و جواب آن پردازد. یکی از آنها همین روایت
است که مورد بحث و بررسی واقع شده است!

۱. غیبت شیخ طوسی ص ۴۳.

شگفت آور است که مدعیان مهدویت، در حالی به این روایت استناد می کنند که از نقل های مخصوص واقفی هاست و آنان چنین مطلبی را جعل کرده اند تا در امامت امام رضا علیه السلام اشکال وارد کرده و چنین وانمود کنند که هیچ نصی بر مقام امامت آن حضرت وجود ندارد و حتی صفوان نیز مجبور به استخاره شده است!

به هر روی، این نخستین نقض و تحریف در اسلام نبوده و نیست، و آنچه برای ما در اینجا اهمیت دارد، بیان نظر شیخ طوسی درباره ی این روایت است. نظر شیخ را به طور خلاصه در سه مطلب می توان بیان نمود:

مطلب اول: شیخ تصریح کرده که این روایت از کتابی در یاری واقفیان است و نویسنده ای که نام او بیان شد آن را نوشته است. این نویسنده شخصی مجهول الحال است اما روشن است که در مذهب واقفی تعصب داشته است. از طرف دیگر، این روایت نیز

۱۸ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

خبری واحد است که هیچ حجّت و دلیلی در تأیید آن نبوده و امکان صحیح دانستنش نیز وجود ندارد. راویان روایت هم اشخاصی ضعیف هستند و سخنان و احادیث آنان مورد اطمینان نیست.

مطلب دوم: بر فرض صحّت این روایت باید گفت که نباید به ظاهر آن ملتزم شویم و بلکه لازم است که چنین روایتی تأویل شود.

مطلب سوم: شیخ طوسی در شرح این روایت چنین گفته است:

(در این خبر تنها سرزنش فردی است که تقلید کرده است، اگر هم این عمل صحیح باشد هیچ دلیل و حجتی بر دیگران نیست. علاوه بر این، فردی که این مطلب از او ذکر شده، به دلیل مکان و فضل و زهد و دینش فوق چنین جایگاهی است. چگونه درست است که در مسئله ای علمی به دشمنش بگوید که به استخاره قائل شده است! الا اینکه درباره ی آن شخص

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات ۱۹

معتقد به بلاهت و غفلتی باشد که او را از دایره‌ی تکلیف بیرون ببرد؛ در این صورت معارضه و بحث ساقط است)^۱.

این کلام شیخ طوسی نهایت رد و انکار بر استناد به استخاره در اثبات امامت اشخاص به حساب می‌آید. به راستی چگونه مدّعیان مهدویت به سراغ چنین اموری می‌روند که حکایت از نادانی و غفلت آنان دارد، در حدی که حتی می‌توان به سبب چنین کاری آنان را در گروه دیوانگان به شمار آورد؟

عقل انسان چطور چنین اموری را می‌پذیرد؟ از خداوند بخشش و سلامت و عافیت را در دین و دنیا خواستاریم.

جهت دوم: مجهول بودن علی بن معاذ:

روایت مورد نظر از علی بن معاذ نقل شده و چنین شخصی مجهول الحال است و هیچ خبری از او

۱. غیبت شیخ طوسی ص ۶۱.

۲۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

در کتب رجالی شیعه و سنی وجود ندارد، و چه بسا اساساً این روایت از جعلیات واقفی ها باشد.

جهت سوم: این روایت توان اثبات ادعا را ندارد:

حتی اگر فرض کنیم که چنین روایتی صحیح است و به وثاقت علی بن معاذ و محمد علوی، که هیچ اطلاعی از آنان نیز نداریم، حکم بنماییم، کافی است به موارد ذیل توجه کنیم تا بدانیم که این روایت در هر حال توان اثبات نظر مدعیان را ندارد:

اول آن که این روایت از معصوم علیه السلام نقل نشده، بلکه صرفاً سخن یکی از اصحاب ایشان است. اصحاب معصومان هر چقدر هم که مقام بالایی در علم و معرفت داشته باشند، باز هم معصوم نیستند و ممکن است به اشتباه بیفتند.

دوم آن که هیچ شاهی در این روایت وجود ندارد که نشان بدهد عمل صفوان مورد امضا و تأیید امام معصوم بوده است.

۲۱ بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات

ممکن است در این جا چنین سؤال شود که چگونه ممکن است دانشمند با عظمتی چون صفوان که از شاگردان امام رضا علیه السلام نیز بوده است نداند که استخاره نمی تواند دلیلی برای اثبات امامت دیگران باشد؟

پاسخ این است که بر فرض محال که چنین امری از صفوان سر زده باشد، باز هم مضمون روایت مربوط به ابتدای امامت امام رضا علیه السلام است و در آن زمان هنوز صفوان از شاگردان آن حضرت نبوده و دلیلی نداریم که در آن هنگام مرتبه و مقام والایی در علم و بزرگی داشته است. چرا که او تنها از امام رضا و امام جواد علیه السلام روایت دارد، اگر چه کشی در رجال خود حکایت کرده که او از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیز بوده است.

به عبارت دیگر: این اشکال مستلزم آن است که صفوان در هنگام آن استخاره، که در این روایت

۲۲ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

نادرست آمده است، دانشمند و فقیه بوده است، حال آن که دلیلی برای درستی چنین نظری وجود ندارد، بلکه این مدعیان و مدافعان احمد اسماعیل هستند که باید ابتدا راستی این روایت را و سپس دانشمند و فقیه بودن صفوان را در آن زمان ثابت نمایند.

۲ - اما روایت «خار الله لك» را می توان از دو

جهت مورد بررسی قرار داد:

جهت اول: بررسی سند روایت:

خلاصه چنین بررسی این است که در سند این روایت این اسامی وجود دارند که به بررسی آن ها می پردازیم:

موسی بن هارون بن عیسی:

این شخص مجهول الحال است و درباره ی او هیچ توثیقی وارد نشده است.

عبد الله بن مسلمة بن قعنب:

این شخص که از او با عنوان قعنبی نیز یاد شده

است، شاگرد امام مذهب مالکی بوده و بلکه کسی است که کتاب موطأ امام مالکی‌ها را از او روایت کرده است. بزرگان رجال اهل تسنن او را مورد اطمینان می‌دانند، حال آن که هیچ یک از عالمان شیعه او را توثیق نکرده است.

سلیمان بن بلال:

تنها کسی از علمای شیعه که این فرد را توثیق کرده ابن داوود است. بررسی توثیقات متأخران نیازمند بحثی طولانی است و حق این است که چنین توثیقاتی اعتباری ندارد.

جهت دوم: بررسی دلالت روایت:

این روایت هرگز دلالت ندارد که می‌توان در اثبات امامت اشخاص از استخاره بهره گرفت؛ چرا که عبارت «خار الله لك» که در آن وارد شده، در مقام دعای خیر برای دیگران استعمال می‌شود و چنان که

۱. مراجعه کنید به سیر اعلام النبلاء ج ۱۰، ص ۲۵۷.

۲۴ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

عالمان لغت شناس تصریح کرده اند، به معنای (خدا به تو خیر بدهد) می باشد^۱.

استعمال این عبارت، که به استخاره نیز ربطی ندارد در زبان عرب ها فراوان است. به عنوان مثال، بانو دیلم، به همسرش شهید زهیر بن قین چنین گفت:

(خار الله لك، وأسألك أن تذكرني في القيامة عند جدّ الحسين عليه السلام).

خدا به تو خیر بدهد، و از تو می خواهم که مراد ر قیامت نزد جد امام حسین عليه السلام یاد کنی)^۲.

همچنین عبد الله بن سلیمان و منذر بن مشمعل اسدی هنگامی که خبر شهادت مسلم بن عقیل را به امام حسین عليه السلام دادند و متوجه شدند که آن حضرت تصمیم جدی برای رفتن دارد به ایشان عرض کردند:

(خار الله لك).

۱. مراجعه کنید: لسان العرب ج ۴، ص ۲۶۷.

۲. بحار الانوار ج ۴۴، ص ۳۷۲.

خدا به تو خیر بدهد)^۱.

بنابراین مفاد این روایت نیز چنین است: اگر خدا به تو خیر داد و افتخار دیدن امام زمان علیه السلام را پیدا کردی، عزم خود را استوار گردان و از امامت او بازنگرد.

نتیجه آن که این مورد نیز هیچ ارتباطی به استخاره ندارد.

۳ - بررسی عمومات استحباب استخاره:

لازمه‌ی چنین استدلالی، تعطیل احکام الهی و باطل کردن شریعت مقدس است. چرا که اگر قائل بچنین عموماتی باشیم، بسیاری از قوانین شرعی و قواعد فقهی را باید باطل دانست و بلکه برخی از ابواب فقه به طور کامل از بین خواهد رفت. از جمله:

باب قضاء: وقتی عمومات استخاره جاری باشد، در صدور حکم هیچ احتیاجی به دلیل و قسم

۱. همان مصدر ج ۴۴، ص ۳۷۳.

۲۶ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

و سختگیری در بررسی دلائل طرفین نخواهد بود، بلکه کافی است که قاضی استخاره کند و داستان تمام شود!

باب تقلید: اگر عمومات استخاره حجّت باشد، نیازی به جستجو برای شناخت مجتهد اعلم نیست، بلکه اساسا نیازی به جستجو و پیدا کردن مجتهد هم نیست! چرا که می توان مرجع تقلید و بلکه خود حکم شرعی را نیز از راه استخاره فهمید!

باب طهارت: بسیاری از احکام این باب، بر ضوابط و قواعدی معین استوار است. از جمله احکام استحاضه های سه گانه که به بررسی و شناخت میزان خون ربط دارد. اگر عمومات استخاره حجّت باشد، همان کافی خواهد بود و نیازی به بررسی نیست!

به همین ترتیب در دیگر مسائلی که محل تردید است یا تطبیقشان واضح نیست، مانند مسائل مربوط به هلال ماه یا خوردنی ها و آشامیدنی ها و شک های نماز

۲۷ بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات

و روزه و حج می‌توان به استخاره عمل کرد! روشن است که چنین ادعایی فقط هذیان‌گویی است.

این در حالی است که عمومات استخاره، اگرچه به طور مصداقی تخصیص نخورده‌اند، اما به طور موردی تخصیص بردار هستند.

تخصیص موردی روایات استخاره:

منظور از تخصیص موردی چیست؟

هر دلیل عامی اگر اثبات عمومیت آن موجب لغو شدن احکام و مسائل تشریحی دیگری باشد، لازم است که مورد آن - و نه مصداقش - تخصیص بخورند.

جهت واضح شدن مطلب، می‌توان دو قاعده‌ی فقهی تجاوز و استصحاب را به عنوان مثال بیان کرد.

مفاد قاعده‌ی تجاوز چنین است که در هنگام نیاز، اگر وارد جزء دیگری شدیم و در به جا آوردن جزء

۲۸ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

پیش از آن تردید کردیم، بنا را باید چنین بگذاریم که آن جزء مورد تردید را به جا آورده ایم. مثلاً اگر در رکوع تردید کردیم که آیا حمد یا سوره را خوانده ایم یا خیر، بنا را می گذاریم که خوانده ایم، یا اگر شک کردیم که آیا حمد را به درستی خوانده ایم یا خیر، اگر خواندن آن پایان یافته است بنا را بر درستی می گذاریم.

اما مفاد قاعده‌ی استصحاب چنین است: آن چه را که بوده بر همان حال باقی می دانیم. اگر اصل استصحاب را بر مثال پیشین تطبیق کنیم، لازم می آید که اگر در حال رکوع درباره‌ی خواندن حمد شک کردیم اصل را بر نخواندن بگذاریم، چرا که اقتضای اصل عدمی این است که قرائت به جا آورده نشده است.

در این جا سؤال پیش می آید که اصلی که باید در شک مورد نظر جاری شود، استصحاب است به دلیل این که عموماً تشکیک در موردی را نیز در بر می گیرد؟ یا قاعده‌ی تجاوز است؟

پاسخ صحیح مورد دوم است. چرا که اگر معتقد به عمومات ادله استصحاب باشیم، قاعده‌ی فراغ و تجاوز را باید لغو کنیم و تشریح آن لغو و بی‌ارزش خواهد شد، چرا که قاعده‌ی استصحاب را می‌توان در هر جایی به کار گرفت. بنابراین چاره‌ای نیست جز آن که مورد ادله استصحاب در غیر موارد قاعده‌ی فراغ و تجاوز تخصیص بخورد.

خلاصه آن که منظور از تخصیص موردی این است که مورد جریان دلیل یک قاعده تخصیصی می‌خورد تا عمومات آن، موجب لغو شدن دیگر امور شرعی نباشد.

بر اساس آن چه گذشت باید گفت:

ادله‌ی استخاره اگر چه عمومیت دارد، اما تمسک به عمومات آن موجب لغو شدن بسیاری از ابواب فقهی خواهد بود. بر این اساس تخصیص مورد ادله استخاره لازم است.

بنابراین باید گفت که ادله استخاره ناظر به مباحات و همچنین مواردی است که شارع مقدس

۳۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

وظیفه را درباره‌ی آن مشخص ننموده است. اما در مواردی که وظیفه از جانب شارع مشخص است، مانند عقائد و اثبات امامت امامان و امام مهدی به عنوان آخرین امام و غیبت ایشان و عدم وجود نائب خاص در غیبت (برخلاف ادعای مدافعان احمد اسماعیل)، عموماً استخاره جاری نخواهد بود، در غیر این صورت لازم می‌آید که در این موارد، وظیفه ای که شارع مقدس تبیین و تعیین کرده لغو شود.

از آن جا که امامت از مواردی است که کیفیت اثبات آن توسط شارع به دقت تعیین شده است، موردی برای جریان استخاره نخواهد بود؛ لذا هیچ یک از امامان بزرگوار ما و عالمان نیکوکار شیعه، هرگز برای اثبات مصداق امامت به استخاره استناد نمی‌کردند بلکه از راه‌هایی سخت و دشوار به این مهم می‌پرداختند و در این راه رنج‌هایی را به جان می‌خریدند که تنها خدا از آن آگاه است.

بررسی اعتبار استخاره در اعتقادات ۳۱

همچنین لازم به ذکر است که تمام آن چه گفته شد با فرض این است که اساسا استخاره را موجب قطع و یقین بدانیم، در غیر این صورت نیز اعتباری برای استخاره در این بحث نخواهد بود، چرا که نهایتاً می‌تواند موجب ظن و گمان باشد و در امری چون امامت که از قضایای یقینی است نمی‌توان به سراغ آن رفت.

* * *